

تأملی بر چالش‌های نوین حقوق رقابت در ایران

ناصر غریب‌نژاد، کارشناس ارشد حقوق مالی - اقتصادی

چکیده

حقوق رقابت مربوط به قوانینی است که از رقابت آزاد در فعالیتهای تجاری و اقتصادی حمایت و از شکل‌گیری انحصار در این نوع فعالیت‌ها جلوگیری می‌کند. فلسفه آن، ایجاد فضای رقابتی و بستر مناسب برای شکل‌گیری رقابت بین فعالان اقتصادی است که می‌تواند از طریق کاهش قیمت محصولات و خدمات و افزایش کیفیت آنها محقق شود. در نظام حقوقی ایران نیز موضوع رقابتی شدن فعالیتهای تجاری و اقتصادی، در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹ برای اولین بار مطرح شد. فصل چهارم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی از ماده ۲۸ تا ۳۵ با عنوان تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی مربوط به حقوق رقابت است. بعد از تمام شدن مهلت اجرای قانون برنامه سوم، در سال ۱۳۸۳ قانون پنج‌ساله چهارم به تصویب رسید. در فصل سوم این قانون با عنوان رقابت‌پذیری اقتصاد، موضوع رقابتی کردن اقتصاد ملی و لغو اقتصاد در شش ماده مورد بررسی قرار گرفت. مبنای حقوق رقابت به‌طور کلی، پذیرش ضرورت دخالت دولت در بازار برای جلوگیری از اعمال و فعالیتهای ضد رقابتی و همچنین افزایش تولید و سطح کیفیت تولید، توزیع عادلانه ثروت و درنهایت کارایی بیشتر اقتصادی است. با توجه به گسترش تجارت الکترونیک و معاملات مبتنی بر فضای مجازی، چالش‌هایی پیش روی حقوق رقابت پدید می‌آید که می‌تواند بحران‌آفرین باشد. در این مقاله تلاش شده است با روش تحلیلی-توصیفی با شناخت رویکرد نظام حقوقی ایران، پیشنهادهایی را برای برون‌رفت از چالش‌های این حوزه مطرح کند.

واژگان کلیدی: حقوق رقابت، تولیدکننده، رقابت‌پذیری، مصرف‌کننده

درآمد

حقوق رقابت به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در رسیدن به اهداف توسعه پایدار با توجه به سیاست‌های حکمرانی نظام‌های اقتصادی مطرح می‌شود. این گزاره ناظر بر این است که در صورت رقابت در میان تولیدکنندگان و فعالین بازار هم‌اوردی پویا شکل گیرد، نظام اقتصادی کشور به سوی توسعه پایدار گام مهمی برداشته و در نمود آن رفاه عمومی پدیدار گردد. این رشته نوظهور حقوق که در دسته‌بندی حقوق رقابت تعریف می‌شود بیش از یک قرن است که در رقابت‌های تجاری کشورهای توسعه‌یافته نقش‌آفرینی می‌کند. با توجه به اسناد حکمرانی در ایران اسلامی و سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در جهت رشد تولید، پرداختن به قواعد این حوزه امری اجتناب‌ناپذیر است. یکی از مبانی‌ترین پرسش‌ها در مورد قانون و اسناد حقوقی یافتن اهداف تقنینی قانون‌گذار است که هدف از تصویب و وضع قانون مورد نظر چه می‌باشد. با توجه قوانین وضع شده در نظام

حقوقی ایران، این نوشتار در تلاش است به تأویل روشنی از بایسته‌ها و چالش‌های حقوق رقابت در پرتو قانون و اسناد داخلی دست یابد.

رقابت^(۱) را می‌توان تلاش برای پیروزی در مسابقه میان چند عامل که به دنبال هدفی مشترک می‌باشند دانست. این مسابقه و تلاش در آن، اختصاص به جهان آدمیت ندارد بلکه در زندگی تمامی موجودات شاهد آن هستیم. حیوانات از روی گزینه برای بقا و دستیابی به منابع غذایی پیوسته در جدال با یکدیگرند. به همین ترتیب گیاهان یک منطقه نیز برای به دست آوردن نور یا آب بیشتر در رقابت با هم به سر می‌برند. در سرانجام این مبارزه، نیک‌فرجامی با کسی است که از دیگران قوی‌تر و سازگارتر است. امری که مبانی نظریه معروف «انتخاب طبیعی» داروین قرار گرفت که خود سرمنشأ تحولات عظیمی در علوم طبیعی به شمار می‌آید. در حیات بشری نیز رقابت با هم و حتی با سایر موجودات به یک اسلوب و رسم معمولی مبدل شده است. چراکه اختصاص به رفتار یا دوره خاصی ندارد و اگر خوب به اطراف خود بنگریم، به روشنی در خواهیم یافت که برای نیل به مقاصد خویش اکثر اوقات در رقابت با دیگرانیم. با این اوصاف، به گراف نیست اگر بگوییم که رقابت یکی از ارکان و ستون‌هایی است که جهان کائنات بر مبانی آنها بنا نهاده شده است. به همین دلیل در علوم زیستی گاه از آن به این اعتبار که یکی از نیروهای پیش برنده حیات است به «خدای طبیعت»^(۲) تعبیر کرده‌اند (Gerber, ۱۹۹۸).

(۲۸):

مزایای رقابت سبب شد تا انسان منفعت‌طلب و محاسبه‌گر کم‌کم پای آن را به عالم تجارت نیز باز کند تا از نتایج مثبت آن در این حوزه هم بهره جوید. به ویژه از نیمه دوم قرن هجدهم با ظهور و قوام اندیشه‌های اقتصادی در قالب مکتب کلاسیک که آثار آدام اسمیت^(۳) سرآمد آنها بود، اهمیت رقابت در بهبود فضای کسب‌وکار به سود منافع عمومی بیش از پیش نمایان گردید. یک قرن بعد، بنیان‌گذاران مکتب نئوکلاسیک نیز با زبان علمی‌تر و مستدل‌تری نقش بی‌بدیل رقابت را در ارتقای رفاه کل جامعه و استفاده کارآمد از منابع آن به اثبات رسانده و مهر تأییدی بر عقاید اسمیت زدند. در باور اینان، رقابت در حوزه رفتارهای اقتصادی موجب خواهد شد تا فعالان عرصه تجارت برای حفظ بقای خود در بازار همواره در پی استفاده بهینه از منابع در دسترس خود باشند؛ یعنی از کمترین منابع بهترین تولید را در نازل‌ترین قیمت داشته و پیوسته در فکر ابداع و عرضه محصول جدید و پیشرفته‌تر باشند تا مشتری بیشتری را جلب کرده و نهایتاً فروش و سود افزون‌تری را نصیب خود گردانند. پیامد این فرآیند علاوه بر آنکه از یک‌سو، کنشگران ناکارآمد را که منابع جامعه را در نتیجه فعالیت خود هدر می‌دهند از کارزار بیرون خواهد راند، سود و رفاه فعالان تجارتي کارآمد را ارتقا داده و از سوی دیگر نیز به افزایش رفاه و رضایت‌مندی مصرف‌کنندگان محصولات تولید شده منجر خواهد شد. از آنجاکه حاصل جمع رفاه تولیدکنندگان و رفاه مصرف‌کنندگان^(۴) تشکیل دهنده رفاه کل جامعه می‌باشد، نتیجه نهایی رقابت در بازار، ارتقاء رفاه عمومی خواهد بود. در نهایت هر چه رقابت در بازاری بیشتر باشد، رفاه کل رقم بالاتری را نشان خواهد داد، به گونه‌ای که در شرایط رقابت کامل، رفاه عمومی در حداکثر خود قرار خواهد داشت. علاوه بر استدلال روشن مکاتب

اقتصادی، اندیشه فلسفی نیز مؤید سودمندی رقابت در حوزه رفتارهای تجارتي می‌باشند. از جمله چون یکی از زمینه‌های پدیداری رقابت و کارکرد مطلوب آن نبود تبعیض و رفع موانع تجارتي است، تشویق رقابت برتری کنشگری است که در مقایسه با دیگران کارآمدتر و لایق‌تر بوده و حمایت از آن را در راستای اندیشه‌های عدالت خواهان خواهد بود (غفاری فارسانی، ۱۳۹۸: ۹).

۱- مفهوم حقوق رقابت

حقوق رقابت^(۵) شاخه‌ای از علم حقوق است که به کمک مفاهیم و ابزارهای حقوقی- اقتصادی سعی در ایجاد رقابت در بازار و ارتقاء آن دارد. به عبارت دیگر، حقوق رقابت یا ضد انحصار به قوانینی اطلاق می‌شوند که از رقابت آزاد در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری حمایت و از شکل‌گیری انحصار در این گونه فعالیت‌ها جلوگیری می‌کنند (نوروزی، ۱۳۸۴: ۹۳). با بررسی متون حقوق مالی- اقتصادی^(۶) می‌توان به این نتیجه رسید که حقوق رقابت حوزه میان‌رشته‌ای نوینی است که از جمله نقاط مهم تلاقی و تعامل دو علم حقوق و اقتصاد به شمار می‌رود. به همین علت نیز لسان خاص خود را دارد و به هنگام سخن از موضوعات آن، گاه از واژگان و ادبیاتی استفاده می‌شود که ممکن است برای حقوقدانان مأنوس نباشد. اگرچه بحث از رقابت تجارتي و ترویج آن در بازار از پیشینه‌ای نسبتاً دیرینه در اندیشه اقتصاددانان برخوردار است؛ اما وضع قوانینی مختص به آن و پدید آمدن شاخه‌ای نو در عالم حقوق تحت عنوان «حقوق رقابت»، ایده‌ای است که در اکثر کشورها، مدت زیادی از تولد آن نمی‌گذرد. در این دانش نوپا، رابطه مستقیمی بین میزان توسعه‌یافتگی و نظام اقتصادی دولت‌ها برقرار است، به گونه‌ای که هر چه اقتصاد قوی‌تر و بخش خصوصی فعال‌تر باشد، نیاز به وضع قوانین حمایتی از عرصه رقابت نیز ضروری‌تر و تنظیم هم‌اوردی‌ها پیچیده‌تر است.

به دیگر سخن، حقوق رقابت، زمینه‌ساز کارایی و کارآمدی بیشتر مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار است. مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار، از عواملی به شمار می‌روند که به‌طور مشترک در اداره و عملکرد همه بنگاه‌ها در جامعه مورد مطالعه، اثر می‌گذارند؛ اما تقریباً خارج از کنترل مدیران و بنگاه‌ها هستند. محیط کسب‌وکار عمدتاً در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط بررسی و مطالعه می‌شود، زیرا بنگاه‌های بزرگ تا حدودی می‌توانند با صرف هزینه‌هایی مانند تبلیغات برای تغییر فرهنگ مصرفی و لابی کردن در محافل سیاست‌گذاری، عوامل خارجی مؤثر در اداره و عملکرد بنگاه‌هایشان را مهار کنند، اما بنگاه‌های کوچک و متوسط اهمیت زیادی دارد (جوادی و نعیمی، ۱۳۹۵: ۲).

با توجه به ضعف شرکت‌های دولتی و بحران ناکارآمدی این بنگاه‌ها، نیاز به خصوصی‌سازی در میان سیاست‌گذاران اقتصادی جهت رونق تولید بیش‌ازپیش احساس می‌شود؛ به گونه‌ای که در ابتدای دهه ۸۰ شمسی و با تأسیس سازمان خصوصی‌سازی، به استناد ماده ۱۵^(۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای فصل تازه‌ای در رقابتی‌تر شدن فضای تولید در کشور آغاز یافت و این تلاش مستمر به‌عنوان راهبردی در جهت اهداف موجود در سند گام دوم انقلاب به‌عنوان طرح جامع توسعه پایدار مطرح شده است.

۱-۱- تاریخچه حقوق رقابت

همان‌گونه که اشاره گردید، حقوق رقابت حوزه نوپایی از علم حقوق به شمار می‌رود که در سال‌های اخیر به‌ویژه از اوایل دهه ۱۹۹۰، رشد چشمگیری داشته و اهمیت آن بیش‌ازپیش، بر همگان آشکار شده است. این رشد و توسعه در ابعاد گوناگونی رخ داده است، از جمله در بعد جغرافیایی به‌گونه‌ای که هرچند در اوایل قرن بیستم آمریکا تنها کشور دارنده قوانین حمایت از رقابت بود؛ اما امروزه دست کم در ۱۰۰ کشور این قوانین به تصویب رسیده است و بسیاری دیگر نیز در شرف تدوین آن هستند. در حوزه فعالیت‌های اقتصادی نیز حقوق رقابت نفوذ فراوانی داشته است، چراکه به تدریج از ابتدای قرن گذشته بر فعالیت‌های اقتصادی تحت پوشش آن افزوده شد. در حال حاضر، گستره حقوق رقابت تمامی فعالیت‌های اقتصادی را در برمی‌گیرد؛ حتی آن دسته از فعالیت‌هایی که روزگاری به‌عنوان انحصارات طبیعی پنداشته می‌شدند و یا آنها که تصورشان تنها در سیطره قدرت دولت‌ها میسر بود؛ مانند مخابرات، انرژی، حمل‌ونقل، صداوسیما یا خدمات پستی. این امر مبین آن است که سیاستمداران و قانون‌گذاران کشورها با فاصله زمانی مختلف جملگی به ناکارایی و نواقص اقتصادی دولتی از یک‌سو و توافق اقتصاد بازار آزاد از سوی دیگر، پی برده و برای رشد و اعتلای سطح رفاه شهروندان خود، به این نوع نظام اقتصادی روی آورده‌اند.

به دیگر سخن، قوانین حمایت از رقابت، جزء مکمل و شاید بتوان گفت، جدایی‌ناپذیر برنامه‌های خصوصی‌سازی یا آزادسازی اقتصادی کشورها محسوب می‌شوند و سیاست‌های تشویقی در پرتو تنظیم هم‌واردی‌های تجارتي شکل می‌گیرد. اجمالاً باید گفت که **صرف ایجاد بازارهای آزاد به رفاه بیشتر جامعه منتهی نمی‌شود؛ زیرا این نوع بازارها در صورت فقدان ابزارهای کنترلی، محیط بالقوه و مناسب برای سوءاستفاده و قوی‌تر شدن زورمندان فراهم می‌کنند که فقیرتر شدن روزافزون اکثریت جامعه و در نقطه مقابل، برخورداری هر چه بیشتر تعداد معدودی از منابع و مواهب جامعه و در نهایت تشدید فاصله طبقاتی را به بار خواهند آورد.** بر این اساس، بازار آزاد درست در مسیری برخلاف هدف تأسیس خود گام بر خواهد داشت که اقتصاددانان از آن به «شکست بازار»^(۸) یاد می‌کنند. نقش قوانین حمایت از رقابت تا حد ممکن جلوگیری از وقوع شکست بازار و به‌عبارت‌دیگر، تضمین کارکرد صحیح بازار آزاد است. این رسالت خطیر موجب شده است تا امروزه از حقوق رقابت به عنصری حیاتی برای بقا، مدرن سازی و موفقیت اقتصادهای بازار آزاد تعبیر شود که در نبود آن، این نظام اقتصادی نیز همانند اقتصادهای دولتی محکوم به شکست است. بدین ترتیب در دهه‌های اخیر، نگرش دولت‌مردان و

اندیشمندان به حقوق رقابت به‌عنوان شیوه‌ای است که در سایه آن، امکان افزایش رفاه و ارائه خدمات عمومی بهتر به شهروندان از رهگذر بازار آزاد فراهم می‌شود. از همین رو است که به هنگام دست یازیدن به انجام اصلاحات اقتصادی و روی آوردن به اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، کشورها هم‌زمان قوانینی را نیز به منظور حفظ رقابت در بازارهای خود به اجرا درآورده‌اند (غفاری فارسانی، ۱۳۹۸: ۲۳).

۱-۲- قلمرو حقوق رقابت

قانون «اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران» و آیین‌نامه‌های مرتبط با آن شمول ضوابط رقابتی، گسترده نمی‌باشد و به صورت کلی قواعد عمومی حقوق رقابت مطرح شده است. ماده ۴۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی که اولین ماده از فصل نهم این قانون راجع به تسهیل رقابت و منع انحصار می‌باشد، در حکمی کلی بیان می‌کند: «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی مشمول موارد این فصل هستند». ممکن است از ظاهر این ماده و عبارت «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی» این‌گونه استنباط گردد که نظر مقنن بر شمول مقررات فصل نهم نسبت به کلیه اشخاص اعم از آنکه به فعالیت اقتصادی بپردازند یا خیر، بوده است. ماده ۴۴ نیز که تبانی میان «اشخاص» را ممنوع نموده، می‌تواند مؤید همین امر محسوب شود. با این حال، این عقیده صحیح به نظر نمی‌رسد؛ اولاً، تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی مندرج در ماده ۴۳ مقید به بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی می‌باشد. بدین معنا که فقط اشخاصی که در این بخش‌ها فعال بوده و اشتغال دارند، ملزم به رعایت مقررات فصل نهم می‌باشند و روشن است که بخش‌های فوق دارای تقسیماتی هستند که قانون اساسی در اصل ۴۴ برای نظام اقتصادی ایران قائل شده است. به عبارت دیگر چون مجموع بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی تشکیل‌دهنده کل حوزه‌های اقتصادی در کشورمان می‌باشد، لذا منظور از اشخاص حقیقی و حقوقی این بخش‌ها، اشخاصی است که به فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند؛ هرچند که بهتر بود قانون‌گذار با عبارتی رساتر منظور خود را بیان می‌نمود؛ ثانیاً، اعمال ممنوع شده در مواد ۴۴ و ۴۵ که جملگی فعالیت‌های اقتصادی به رعایت آن مقررات ملزم‌اند، به‌ویژه ماده ۴۷ اشاره دارد که: «هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکت‌ها یا بنگاه‌های دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اختلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد». از واژه «دیگر» در متن ماده استنباط می‌شود که «شخص حقیقی یا حقوقی» مندرج در صدر آن نیز باید خود لزوماً شرکت یا بنگاه باشد (غفاری فارسانی، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

در تعیین مصادیق فعالان موضوع این قانون در بندهای «۴» و «۵» ماده ۱ از دو واژه «بنگاه» و «شرکت» استفاده شده که اصطلاح اخیر در معنای شرکت تجاری و مستلزم برخورداری از شخصیت حقوقی است (ماده ۲۰ قانون تجارت). بنگاه نیز طبق تعریف قانون، واحدی اقتصادی است که در تولید کالا یا ارائه خدمات فعالیت می‌کند، اعم از اینکه دارای شخصیت حقوقی یا حقیقی باشد، به نظر می‌رسد این اصطلاح را باید معادل

Undertakingv دانست که در قوانین برخی کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود اختلاف نظر، امروزه پذیرفته شده این اصطلاح در برگیرنده هر نوع فعال بخش خصوصی و شرکت‌های دولتی است که به نحوی در زمینه اقتصادی فعالیت می‌کند و با انجام هر اقدامی در زنجیره تولید و توزیع محصول یا ارائه خدمات، رفتاری از خود بروز می‌دهد که در عمل اثر اقتصادی دارد. بر این اساس دیوان دادگستری اروپایی، در موارد متعدد با تصریح بر اینکه هر واحد اقتصادی مشمول حقوق رقابت است، با تأکید بر رویکرد کارکردگرایانه تمرکز و بررسی خود را از ساختار حقوقی و سازمانی فعالان به نتایج عملی فعالیت آنها معطوف کرده است. فقط اعمال حاکمیتی دولت‌ها و اقداماتی از این محدوده خارج است که بدون عایدی، صرفاً برای اهداف خیرخواهانه انجام می‌شود؛ بنابراین پیچیدگی و یا سادگی فعالیت موردنظر، قصد کسب سود و یا محقق نشدن آن در عمل در این ارزیابی مؤثر نیست و صرفاً آنچه ملاک است نتیجه و حاصل فعالیت موردبحث در عالم واقع است. با توجه به اینکه حقوق رقابت زیرمجموعه‌ای از «حقوق اقتصادی» است که معنا و گستره‌ای اعم از حقوق تجارت را افاده می‌کند و به موجب آن ضوابطی برای تنظیم همه فعالیت‌های اقتصادی، بازرگانی و مالی تدوین می‌شود قلمرو شمول آن نیز وسیع‌تر از حقوق تجارت خواهد بود (وکیلی مقدم، ۱۴۰۲: ۱۱). در نتیجه مهم‌ترین ضعف در بررسی قلمرو حقوق رقابت با توجه به قوانین و آیین‌نامه‌های موجود عدم شمولیت نیازهای اقتصادی و پیچیدگی‌های تجارت در ایران اسلامی می‌باشد که با توجه به تمرکز دولت و سیاست‌گذاران در رشد تولید و رقابتی‌تر شدن فضای اقتصادی، این نیاز قانونی احساس می‌شود.

۱-۳- اهداف حقوق رقابت

در تعیین اهداف این حوزه نوظهور حقوق اقتصادی، حقوق رقابت به منظور حفظ و توسعه رقابت جهت حمایت از کارایی اقتصادی و افزایش رفاه مصرف‌کننده ایجاد شده است. با وجود این بنیان دقیق، فلسفه و شیوه اجرا و نظریه‌های اعلائی که در پس حقوق رقابت قرار دارد تا حدی پیچیده و ناشناخته است. پایه فکری و چهارچوب مفهومی حقوق رقابت ابتدا در فضای فکری نظریه اقتصاد خرد نئوکلاسیکی ساخته و پرداخته شده است؛ بنابراین مبنا، فلسفه و نظریه‌های زیربنایی آن بازتابی از مفروضات، برهان‌ها و فلسفه موردپذیرش در نظریه نئوکلاسیکی و سایر نظریات مربوط است. نخستین گام برای درک نظریه مزبور، آشنایی با مفهوم بازار، منافع ناشی از کارایی بازار و نقش رقابت و رابطه‌های درونی آن است. در همین راستا به‌طور خاص لازم است دلایل مطلوبیت بازار و نظم حاکم بر آن تبیین شود (صمدی فرد، شفیع‌ی، ۱۳۹۸: ۹). این واقعیت در مباحث رقابتی که همواره فرایند پویایی و همگرایی میان بنگاه‌ها در فرایندی شایسته است که منجر به بهبود سطح معاملات و مبادلات قانونی و قراردادی میان تولیدکنندگان و فناوران می‌گردد، امری غیرقابل‌انکار است؛ بنابراین می‌توان فرایند رقابت را مجادله در فروش کالاها دانست، به‌طوری‌که هر واحد فروشنده معمولاً به دنبال به دست آوردن حداکثر میزان منافع و درآمد خالص برای خود است که این مجادله یا تلاش در عرصه تداوم معاملات و ارتقاء

منافع شخصی اشخاص را باید تحت تأثیر عواملی مانند، بهای قیمت‌هایی که هر فروشنده تعیین می‌نماید به‌طور مؤثر با آزادی انتخاب خریدار در خرید همان کالا، خدمات و یا صنعت از فروشنده یا فروشنندگان رقیب محدود دانست؛ در واقع حق و قدرت اراده اشخاص در انتخاب محصولات، خدمات و صنایع با پیشنهاد برابر با قیمت مورد تراضی طرفین و در مقابل محصولات، خدمات و صنایع مورد ارائه دیگر رقبا منجر می‌گردد که مبادلات و معاملات اشخاص رنگ و نمودی خاص‌تر پیدا کند، در این میان همواره نکته و بحثی که حائز اهمیت است توجه به تضمین آزادی اراده اشخاص در انتخاب و قدرت چانه‌زنی در باب محصولات و منافع معاملات و مبادلات قانونی و قراردادی است؛ بنابراین ضرورت قانون‌گذار در حفظ آزادی حقوق عاملین و متعاملین در معاملات و مبادلات قانونی و توجه به آن همان قدر ارزش و اهمیت دارد که وضعیت منع و عدم وجود قدرت انحصاری مؤثر اهمیت و ضرورت توجه دارد؛ چراکه در فرض عدم قدرت تعیین قیمت‌گذاری توسط هر یک از طرفین معاملات، آسیب‌ها و تعارضات عمده‌ای ایجاد می‌گردد (ساعی، مهرداد، ۱۴۰۱: ۶۸).

تا وقتی که به یک سؤال، پاسخ قطعی و روشن نداده‌ایم نمی‌توان سیاست رقابتی منطقی و قابل‌درکی را بنا نهاد. مقصود قانون رقابت و اهداف آن کدام‌اند؟ سایر موارد از پاسخی که به این سؤال می‌دهیم نشئت خواهد گرفت. تنها زمانی که موضوع اهداف حل شود ترسیم چهارچوبی منسجم و منطقی از قواعد ماهوی ممکن خواهد بود.^(۹) بر این اساس در تقسیم‌بندی دیگری اهداف حقوق رقابت با توجه به کارکردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به دسته‌بندی اهداف اقتصادی و غیراقتصادی ترسیم می‌شود.

۱-۳-۱- اهداف اقتصادی

شناخت این مقاصد و تحقق آنها تا حد زیادی تکیه بر تحلیل‌ها، توجیهات و استدلال‌ات اقتصادی دارد. اهداف اقتصادی که از رهگذر قوانین رقابت ممکن‌الحصول می‌باشند را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

الف) کارایی اقتصادی

کارایی که به معنای انجام دادن کاری به بهترین وجه و با بهترین نتیجه بدون هدر دادن بی‌مورد وقت، انرژی و پول است در علم اقتصاد نیز از همین معنا دور نیفتاده است و به دست آوردن بهترین محصول و تولید از حداقل منابع موجود را کارایی اقتصادی گویند. به دیگر سخن، کارایی اقتصادی یعنی تولید با حداقل هزینه‌های ممکن و به حداکثر رساندن منافی که امکان به دست آوردن آنها از منابع موجود توسط مصرف‌کنندگان وجود دارد.

ب) افزایش رفاه

یکی دیگر از اهدافی که برای حقوق رقابت برمی‌شمارند، افزایش رفاه است، چراکه رفاه وسیله سنجش عملکرد هر بازار است؛ اما اینکه قواعد حقوق رقابت باید در جهت ارتقای کدامین رفاه یعنی «رفاه کل جامعه» یا «رفاه تولیدکنندگان» یا فقط «رفاه مصرف‌کنندگان» تفسیر و اعمال شوند، اختلافی است. از نقطه نظر اقتصادی، اضافه رفاه تولیدکننده به سود حاصل از مابه‌التفاوت میان قیمت فروش یک کالای معین و قیمت رقابتی آن (جمع هزینه‌های تولید و مبلغ معقولی سود جهت بقای در بازار) اطلاق می‌شود که عاید بنگاه عرضه‌کننده می‌شود. رفاه مصرف‌کننده نیز عبارت است از رضایت‌مندی و مطلوبیتی که نصیب مصرف‌کننده کالا می‌شود درحالی‌که چیزی در ازای آن نمی‌پردازد.

پ) حمایت از آزادی رقابت و جلوگیری از محدود کردن آن

واضح است که یکی از اهداف اصلی تصویب قوانین رقابت، هدف غایی حفظ و تداوم پویایی رقابت میان بنگاه‌ها می‌باشد تا تضمین عملکرد صحیح بازار ممکن شود. در قوانین رقابت، حفظ و تداوم بخشیدن به رقابت میان بنگاه‌ها موجب می‌شود تا تضمین عملکرد صحیح بازار ممکن شود. در قوانین کشورها معمولاً اشاره‌هایی صریح یا ضمنی به این مهم یافت می‌شود. حفظ رقابت در بازار می‌تواند مظاهر متعددی داشته باشد نظیر جلوگیری از شکل‌گیری قدرت‌های بازاری از طریق تملک و حذف بنگاه‌های رقیب یا به دست گرفتن مدیریت آنها، تمهید چهارچوبی نظام‌مند برای بازار که متضمن بقای بنگاه‌های کوچک باشند، مقابله با از بین بردن رقابت در قیمت‌ها و محدود کردن تولید و یا ممنوعیت بنگاه‌ها از وضع محدودیت بر فعالیت بنگاه‌های دیگر.

۱-۳-۲- اهداف غیراقتصادی

معمولاً سیاست رقابتی بخشی وسیع‌تر از سیاست‌های عمومی و تجارتي وسیع‌تر تلقی می‌شوند؛ بنابراین بحث از اهداف غیراقتصادی در آن تا حدی طبیعی جلوه می‌کند. این گروه از اهداف که به عقیده برخی باید در تمهید و اجرای قواعد سهمی نیز برای آنها قائل شد، توجیه و پشتوانه اقتصادی ندارد بلکه با استقلال فردی، عدالت و انصاف، توزیع منابع و قدرت اقتصادی و ممانعت از شکل‌گیری تمرکزهای اقتصادی در ارتباط هستند. در صورتی‌که از این اهداف پیروی شود، نتایجی به دست خواهد آمد که همواره بر تئوری‌ها و تحلیل‌های اقتصادی منطبق نیستند. به همین دلیل گاه می‌شود حوزه‌هایی که پیگیری اهداف غیراقتصادی در آنها اجتناب‌ناپذیر بوده و بر اهداف اقتصادی تقدم دارند؛ مانند خدمات درمانی و بهداشتی از دایره حقوق رقابت خارج شوند؛ اما رویکرد دیگر این است که چون برای یکپارچگی نظام اقتصادی و عملکرد صحیح حقوق رقابت عام‌الشمولی آن لازم است، لذا این حوزه‌ها نیز باید مشمول حقوق رقابت باشند. در نتیجه، راه‌حل این است که قواعد آن به‌گونه‌ای تمهید شوند که در تمام حوزه‌های اقتصادی اصول هماهنگی حاکم باشد.

در هر حال از جمله اهداف غیراقتصادی حقوق رقابت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) توزیع منصفانه قدرت اقتصادی و حمایت از بنگاه‌های کوچک

این هدف از نگرانی نظام سیاسی کشورها از قدرت یافتن بنگاه‌های خصوصی ناشی می‌شود؛ زیرا به تجربه ثابت شده است که بنگاه‌های قدرتمند و صاحب انحصار معمولاً در نهادهای سیاسی و تصمیم‌گیرنده کلان کشور نفوذ کرده و با تأثیر سوء بر فرآیند دموکراسی و نظام سیاسی، منافع عمومی را به پای منافع اختصاصی خود قربانی می‌کنند. به دیگر سخن، قدرت اقتصادی در صورت اراده، نوعاً قدرت سیاسی را هم به دست خواهد گرفت (pitofsky, ۱۹۷۹: ۱۰۵۱).

ب) حمایت از استقلال فردی و برخورداری همه از فرصت‌های اقتصادی برابر

در اوایل قرن بیستم کنگره آمریکا جامعه‌ای را که در آن رقابت وجود داشته و قدرت اقتصادی به درستی توزیع شده باشد را بهترین محیط برای پیشرفت و رفاه شهروندان می‌دانست. محیطی که هر انسان به شیوه و ابتکار خویش و در سایه استقلال و مسئولیت شخصی خود زندگی‌اش را می‌سازد. پیرو همین عقیده، عده‌ای قوانین رقابت را در حکم وسیله‌ای می‌بینند که بدون دادن امتیازی خاص به کسی، حقوق و فرصت‌های برابری را در اختیار همگان برای موفقیت و پیشرفت قرار می‌دهد؛ بنابراین هر عملی که آزادی اشخاص را در بازار محدود و آنها را از به دست آوردن فرصت‌ها و منابع محروم می‌سازد باید ضد رقابتی تلقی و ممنوع شود. عدالت و انصاف نیز همین حکم را می‌کنند. اگر چه این دو اشکال مختلفی دارند؛ اما در حوزه حقوق رقابت نوعاً بدان معنا هستند که بنگاه‌های قدرتمند از قدرت اقتصادی خود برای از میدان به در کردن رقبا و محدود کردن رقابت به سود خود و به زیان مصرف‌کنندگان و رقیبان استفاده نکنند (Henry Ferre, ۱۹۷۹: ۲۳۶).

پ) حمایت از کارگران و اشتغال‌زایی

یکی از اهداف مهم مقنن ایالات متحده در تصویب نخستین قوانین رقابت در عرصه قانون‌گذاری کشورها، حمایت از فرصت‌های شغلی بوده است. پیش از تصویب قانون کلیتن در سال ۱۹۱۴ تفسیر نادرست قضات از قانون شرم‌ناز مبنی بر اینکه اعتصابات کارگری را نوعی محدودیت تجارتي و ممنوع تلقی می‌کردند، موجب شده بود تا تراست‌ها در برابر اقدامات دفاعی کارگران مصونیت پیدا کنند. دفاع از ارزش‌های فرهنگی، حفظ محیط‌زیست و قهرمان‌پروری از دیگر اهداف غیراقتصادی است که برای حقوق رقابت برمی‌شمارند. علاوه بر اینها، در اروپا نیل به بازار یکپارچه و مشترک میان اعضاء اتحادیه هدف و اولویت مهمی است که ممکن است بر کارایی اقتصادی ترجیح داده شود (غفاری فارسانی، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

۲- چالش‌های نوین حقوق رقابت

با پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین اصول اقتصادی قانون اساسی، در اصل ۴۴ نقش بخش خصوصی به‌عنوان بازیگری توسعه محور پذیرفته شده است. این پذیرش ما را در دسته‌ای از نظام‌های اقتصادی قرار می‌دهد که نظام مختلط نامیده می‌شوند و نقش دولت و بخش خصوصی محور اصلی توسعه پایدار اقتصادی است. نمود این همگرایی میان دولت و بخش خصوصی را می‌توان در بازاری جست‌وجو کرد که سیاست‌های رقابتی آن را تشکیل می‌دهد و حقوق رقابت به‌عنوان بخشی مهم از فرآیند بازار، قواعدی را تشکیل می‌دهد که بازیگران بتوانند در شرایطی برابر به کسب‌وکار خود بپردازند.

در نظام‌های اقتصادی مختلط، دولت به‌گونه‌ای در تعیین سیاست‌های رقابتی بازار عمل می‌کند که منجر به تأمین محصول برای مصرف‌کننده و مشوق فعالیت اقتصادی برای بخش خصوصی باشد. هرچند که بخش خصوصی به‌عنوان بدنه مردمی اقتصاد، در اینجا به‌عنوان بنگاه‌های تجاری شناخته می‌شوند که سود حداکثری توأم با سهم بیشتر از بازار را طلب می‌کنند؛ اما دولت با توجه به سیاست‌ها و راهبردهای حکمرانی در کنار دستیابی به اهداف اقتصادی، اهتمام ویژه‌ای برای نتایج سیاسی، اجتماعی و امنیتی قائل است. در جمهوری اسلامی ایران نیز متأسفانه علی‌رغم وجود زمینه‌ها و بسترهای مناسب در فقه، جهت تدوین رقابت و ممنوعیت رویه‌های مورد اشاره تا قبل از تصویب فصل نهم قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به صورت پراکنده و غیر منسجم در قوانین می‌توان تعدادی محدودی از این ممنوعیت‌ها را ملاحظه نمود که متأسفانه از این غفلت خسارات زیادی بر پیکره اقتصاد کشور و تبعاً حقوق ملت تحمیل گردید.

بر اساس مبانی حقوق اقتصادی، این مباحث سیاست‌گذاری که از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است، تعیین سیاست‌های رقابتی می‌باشند که در پرتو آن حقوق رقابت شکل می‌گیرد. بر اساس الگوهای سیاست‌گذاری در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بازار، راهبردها باید به‌گونه‌ای تعریف شود که در حداقلی‌ترین نتایج، بخش خصوصی و بازرگانان را به سوی تولید مستمر سوق دهد و پویایی ایجاد شود که اعضای فعال در این حوزه بتوانند بدون هیچ‌گونه رفتار تبعیض‌آمیزی به کسب درآمد و استفاده از محصولات با کیفیت بپردازند. در نتیجه با توجه به اهداف همیشگی فعالان تجاری، کسب سهم بیشتر از بازار و جلب مصرف‌کننده بیشتر، می‌تواند منجر به بروز رفتارهای غیراخلاقی و ضد رقابتی شود که توازن و تحرک بازار را با خطرات جدی مواجه می‌سازد. فعالان اقتصادی با توجه به نهادهای مختلف صنفی که دارند می‌توانند با سوءاستفاده از خلأهای قانونی، رفتارهای مبتنی بر تبانی انجام داده و دست به انحصارگرایی بزنند. با توجه به تجارب کشورهای دیگر در این حوزه، انجمن‌های صنفی بازرگانان و تجار از قدرت پنهان و تصمیم‌ساز جدی برخوردارند که می‌توانند مشکلات عدیده‌ای را برای مصرف‌کننده به وجود آورده و دولت را با چالش‌های جدی مواجه سازند.

۲-۱- حقوق رقابت و اصل آزادی قراردادها

ماهیت و ساختار در حال تغییر فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های مختلف اعم از داخلی و بین‌المللی همواره به هم پیوسته‌اند. از سوی دیگر، لزوم حمایت و مداخله اجتناب‌ناپذیر دولت‌ها در امور اقتصادی خصوصی از طریق مقررات و قواعد آمره و حتی ارشادی، بارها به اعمال صلاحیت‌های هم‌زمان منجر شده است. رشد حوزه‌های فناوری و پدیده هوش مصنوعی توانسته به بسیاری از صنایع تولیدی کمک کند و بر رقابتی‌تر شدن عرصه تولید مؤثر باشد. برای مثال با این پیشرفت‌ها، هزینه‌های منابع انسانی تولیدکنندگان بسیار کمتر شده و از این طریق توانسته‌اند سود بیشتری در هزینه تمام شده را کسب کنند. این وضعیت که اغلب موجب اجرای قواعد فرا سرزمینی در ضمن مقررات و قواعد حقوق داخلی می‌گردد، باعث ایجاد خطرهای مضاعفی شده و ارزش معاملات بین‌المللی خصوصی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد که حقوق رقابت نیز به تسری و تبری از قواعد و احکام موجود در بحث تحولات قواعد عمومی قراردادها و به‌منظور حفظ و توسعه مباحثی همچون سلامت و انضباط اقتصادی جامعه، نظم عمومی و اخلاق حسنه، اقدام به وضع سیاست‌های حقوقی و تضمینی در جهت ممانعت از انعقاد قراردادها و توافقنامه‌های خرد و کلان در سطوح مختلف اقتصادی نموده است و چنانچه اشخاص موضوع بحث و مطالعه این شاخه از دانش علم حقوق اقدام به انعقاد قراردادی نمایند که از این طریق محدودیت‌هایی در بازار ایجاد گردد و به تبع این محدودیت تنها منجر به اخلال در رقابت و برهم خوردن نظم عمومی اقتصادی شوند، عمل آنها باطل تلقی خواهد شد؛ اما نکته‌ای که در این بین نیاز به توجه اصول تقنینی، دکترین و اندیشمندان دانش علم حقوق است، عدم شمول محدودیت‌های قراردادی است که مصداق احتکار و ربا و ... خواهد بود که این عدم تبری، ضرورت توجه به شاخه و گرایشی تحت عنوان حقوق رقابت متأثر از قواعد عمومی قراردادها را ضروری‌تر و بااهمیت‌تر نموده است؛ چراکه در این میان قواعد حاکم بر حقوق رقابت با توجه به مبانی و مباحث مفتوحه در قواعد عمومی قراردادها و بر پایه نظم عمومی در عرف از مجموعه قواعد و مقررات و اصول کلی به دست می‌آید، نه به‌طور خاص و خارج از مبانی قواعد عمومی قراردادها؛ لذا اگر قانون رقابت وجود نداشته باشد، نمی‌توان گفت محدودیت‌های قراردادی در رقابت تجاری مخالف با نظم عمومی اقتصادی است (مهرداد و ساعی، ۱۴۰۱: ۱۲). البته که در این تلاقی حقوق رقابت تنها مفاد و موضوع اصلی توافقات را رصد نمی‌کند، بلکه شروط ضمن عقد (تعهدات فرعی) و یا الحاقی به قرارداد قبلی نیز در توافق صدق می‌کند و در زمره توافقات مشمول حقوق رقابت قرار دارند. در مورد قراردادهای الحاقی یا اضطراری نیز وضع به همین منوال است، ولو آنکه ممکن است در برخی موارد، یکی از طرفین از روی ناچاری به آنها رضایت داده باشند به‌گونه‌ای که اگر شرایط عادی و متعارف حاکم بود، به انعقاد قرارداد مورد نظر تن در نمی‌دادند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۵). بر همین اساس میزان مشارکت و اشتیاق طرفین در شکل‌گیری توافق فاقد اهمیت است (غفاری فارسانی، ۱۳۹۶: ۳۵۶).

۲-۲- حقوق رقابت و عدالت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های حکمرانی خوب، عدالت اجتماعی و توزیع ثروت عمومی در جامعه می‌باشد که در حقوق رقابت می‌تواند نقش آفرینی کند. تنظیم بازار و کنترل هم‌واردی‌های کارگزاران اقتصادی می‌تواند جریان تولیدی را در مدار پویایی تولید قرار دهد، به نحوی که در شاخص‌های تولید ناخالص مؤثر باشد. این بررسی در حوزه اقتصاد کلان بوده و هیچ ارتباطی به حقوق اقتصادی ندارد؛ اما در بررسی‌های رویکرد نظام حقوقی ایران اسلامی در نظریه‌های عدالت، به برآیندی رسیده‌ایم که قواعد رقابت در حقوق ایران در سطوح مختلف به رسمیت شناخته شده است؛ به طور مثال در اصل ۴۳ قانون اساسی انحصارگری ممنوع شده است. اصل ۴۴ قانون اساسی عملاً تولید در اقتصاد را در حیطه اعمال دولت و بخش عمومی قرار داده است؛ اما ذیل اصل ۴۴ بخش خصوصی را مکمل بخش دولتی و تعاونی اعلام می‌کند. در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در پنج قسمت و در مقام بیان سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار ورود بخش خصوصی از طریق سیاست‌گذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت به رسمیت شناخته شده است. در بحث قوانین عادی، قانون تعزیرات حکومتی، قانون مدیریت خدمات کشوری، اساسنامه دائمی و قوانین تشکیل شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، قوانین مرتبط با رقابت‌اند. همچنین قانون رقابت در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شد. در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به این موضوع پرداخته شده است و در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به‌صراحت تبیین شد. همچنین شورای رقابت به‌عنوان نهاد حافظ رقابت در تعیین و تشخیص رویه‌های ضد رقابتی و انحصار تعیین شده است.

در گفتمان عدالت توزیعی، حقوق رقابت ابزاری در دست تولید است تا در راستای توزیع منابع و تخصیص بهتر امکانات بیشترین اثربخشی را ایفا کند. چهارچوب عدالت رویه‌ای که ناظر بر تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات بر اساس فرآیند عادلانه و اجرای آنها بر اساس اصول منصفانه است، به نتایج ماهوی توجهی ندارد. آنچه در این چهارچوب مهم است پیش‌بینی قواعد برابر تنظیم روابط بازار است. این قواعد باید متضمن اصولی برای انتقال اموال و تحصیل اولیه مالکیت‌ها و اصلاح اعمالی باشد که امکان رقابت عادلانه را تضمین خواهد کرد و در عدالت آزادی‌مدار که در بین افراد از طریق قواعد بازار و به‌صورت نظم خودجوش تأمین خواهد شد. این نظریه آن است که نمی‌توان الگویی موجه و معقول برای دخالت دولت در امر توزیع و بازتوزیع ثروت‌ها و منابع ارائه داد. از نظر این گروه دولت حداقلی بهترین دولتی است که می‌توان آن را توجیه کرد. با در نظر گرفتن نظام اقتصادی ایران اسلامی و اصول مختلف ذکر شده، رویکرد به هدف غیراقتصادی (عدالت) حقوق رقابت دارد و به‌طور غیرمستقیم به حقوق رقابت اشاره داشته است و با کارایی که هدف اصلی و روح حقوق رقابت است، فاصله دارد. از این‌رو از

رهگذر نظریه‌های عدالت و تعاریف ذکر شده، با عدالت توزیعی هماهنگی بیشتری دارد؛ اما حقوق رقابت در قانون اجرای کلی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون برنامه پنج‌ساله چهارم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قوانین عادی و رویه قضایی با رویکردی که به بخش خصوصی دارد و دولت را از انجام امور مشخص شده منع و به‌طور صریح به هدف کارایی اشاره می‌کند، به نظریه عدالت آزادی‌مدار یا رویه‌ای نزدیک‌تر است، از این‌رو از عدالت توزیعی که در آن کارایی، نقش کمتری دارد دور می‌شود و رویکرد قانون اساسی به اهداف حقوق رقابت با توجه به اصول مختلف آن، عدالت محوری است و به هدف غیراقتصادی حقوق رقابت پرداخته شده است و از روح حقوق رقابت که همانا کارایی است، فاصله دارد؛ اما در سایر قوانین رویکرد به کارایی محوری مشهود است و به روح حقوق رقابت که کارایی است، بسیار نزدیک شده است. از این‌رو رویکرد در سایر قوانین به عدالت رویه‌ای یا عدالت آزادی‌مدار نزدیک است. البته اگر رقابت به‌طور صحیح در جامعه اتفاق بیفتد، هدف عدالت نیز محقق می‌شود و با توجه به اینکه اهداف عدالت و کارایی، مفاهیم کیفی‌اند و بی‌شک هردوی این مباحث از جمله اهداف دولت هستند، از این‌رو به‌طور قطع و یقین نمی‌توان گفت که بی‌شک عدالت یا کارایی محقق شده است. می‌توان رویکرد را به سمت این اهداف مشخص کرد و دولت باید ضمن عدم‌مداخله گسترده، با نظارت حداقلی در جهت تنظیم بازار، به سمت تضمین اهداف و روح حقوق رقابت تلاش کند (صانعی، زرشکی، ۱۴۰۱). اینکه تا چه حد در رسیدن به اهداف، موفقیت حاصل شده است در رسالت این نوشتار نیست.

۲-۳- حقوق رقابت و رمز ارز^(۱۰)

ارز دیجیتال^(۱۱) یا رمزارز، پولی است که به شکل الکترونیکی برای تبادل کالا و خدمات استفاده می‌شود و در دنیای امروز نقش بسیار مهمی برای ما ایجاد می‌نماید. مفهوم ارز دیجیتال به معنای پول رمزگذاری شده، به‌منظور تسهیل انجام امور مالی و ایجاد پولی بدون حضور واسطه‌ها و توسط افراد جامعه مطرح شد. بیت کوین به‌عنوان اولین ارز دیجیتال جهان به کاربران این امکان را می‌دهد که توسط آن، پرداخت آنلاین را در وبسایت‌های مختلف انجام دهند. این ارز دیجیتالی هنوز مراحل ابتدایی رشد خود را طی می‌کند و باید پیش از اقدام به خرید آن به‌طور کامل تمامی جوانب کار از نوسانات قیمتی گرفته تا مسائل قانونی و مالیات را مدنظر قرار داد. امروزه، ما شاهد این هستیم که تعداد فزاینده‌ای از پرداخت در کسب و کارها به‌صورت دیجیتال و غیر نقدی انجام می‌شود و مبتنی بر تجارت الکترونیک هستند و شرکت‌های تأسیس شده به دنبال راه‌های جدید برای گسترش روش‌های پرداخت موجود خود می‌باشند. بازار رمز ارزها به‌سرعت در حال توسعه و پیشرفت است؛ روندی که به ادعای کارشناسان اقتصادی، نوید ورود به دنیای جدیدی از مراودات مالی کسب و کارها را در آینده نزدیک می‌دهد. مسلماً با فراگیرتر شدن بستر و دسترسی مردم دنیا به ابزارهای تبادلات ارز دیجیتال، شاهد حرکت به سمت پرداخت با ارزهای دیجیتال به شکل گسترده خواهیم بود (قربانی، موسوی، ۱۴۰۰). رمز ارزها

مهم‌ترین پدیده اعتباری قرن بیست و یکم شناخته می‌شود و نحوه پرداخت در بازارهای مختلف با چالش‌ها متعددی مواجه ساخته است. این پدیده بحران‌های ویژه‌ای برای نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی پدید آورده است؛ هرچند که بسترهای مناسبی برای شیوه‌های پرداخت در اقتصاد و تجارت بین‌المللی فراهم ساخته است؛ اما تبهکاران با سوءاستفاده از این ابزار مالی به اهداف شوم خود می‌اندیشند.

۲-۳-۱- بیت کوین و رفتارهای رقابتی

بازار بیت کوین، مصون از رفتارهای ضد رقابتی نیست و در فعالیتهای اقتصادی بازار، خطر نقض قواعد رقابت، فعالان بازار و مصرف‌کنندگان را تهدید می‌کند. مبتنی بودن بازار بر بستر بلاکچین، نحوه اعمال حقوق رقابت در این بازار را با چالش روبرو می‌کند؛ به طوری که در گام نخست، بایستی ساختار و اصول اولیه بازار مشخص شوند. خصیصه جهانی و آزاد بودن بیت کوین باعث می‌شود که هیچ دولت و یا کشوری نتواند بر آن حاکمیت داشته و هیچ نظام حقوقی ملی نیز نمی‌تواند مستقلاً برای آن قانون‌گذاری و آن را به مرحله اجرا درآورد.

فعالیت‌های استخراج، تأیید تراکنش‌ها، نقل و انتقالات، سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات و تجهیزات بیت کوین مهم‌ترین فعالیت اقتصادی هستند که بنگاه‌ها به آن می‌پردازند. سرمایه‌گذاری‌های انبوهی برای حضور و فعالیت اقتصادی در عرصه‌های مختلف انجام می‌شود. چنین رقابت شدیدی میان فعالان اقتصادی می‌تواند منجر به بروز انواعی از رفتارهای ضد رقابتی شود. شکل بارز سوءاستفاده از موقعیت مسلط در مورد استخراج صدق می‌کند که با داشتن قدرت محاسباتی برتر به قصد تغییر زنجیره اولیه و ایجاد بازار فرعی ترتیبات حمله ۵۲٪ را فراهم می‌کند. چنین استراتژی خودخواهانه‌ای همراه تبانی با گروه توسعه‌دهندگان قابل وقوع است که به طور خاص به تبانی الگوریتمی معروف است. در این حالت شخص مسلط می‌تواند با تغییر اجماع شبکه، حاکمیت بازار را کنترل کند و در انحصار خود درآورد. هر نوع مشارکت در استخراج‌های استخراج و یا در ادغام این اشخاص می‌تواند زمینه‌ساز بروز حالت مسلط باشد. همچنین داشتن انحصار فنی و حق اختراع در خصوص چیپ‌های گرافیکی برتر، خطر شکل‌گیری وضعیت مسلط و انحصاری شدن بازار را به دنبال دارد. این چنین تمرکزهایی خصیصه اصلی بازار یعنی غیرمتمرکز بودن آن را متزلزل کرده و اصل رقابتی اولیه در بازار را نقض می‌کند.

مهم‌ترین قرارداد ضد رقابتی، توافق افقی و تبانی میان دسته‌ای از استخراج‌گران است که قصد حمله ۵۱٪ را دارند. تمرکززدایی در سایر حوزه‌های بازار و در روابط مصرف‌کنندگان با ارائه‌دهندگان خدمات تراکنش، تجهیزات استخراج و اینترنت، خطر محدودیت‌های دسترسی به بازار و توافقات عمودی بسیار قابل توجه است.

با توجه به بازار خود انتظام و جهانی بیت کوین، امکان قانون‌گذاری رقابتی و اعمال ضمانت اجراها با چالش و محدودیت مواجه است. این در حالی است که اگر بتوان قائل بدین باشیم که شخصیت‌های حقوقی فعال در این بازار اقتصادی طبق قوانین و نهادهای رقابتی نظام حقوقی محل ثبت، بررسی شوند، می‌تواند گام اولیه در

تجزیه و تحلیل رقابتی بازار و فعالان آن باشد. کما اینکه در نظام حقوقی کشور ما، شورای رقابت صلاحیت رسیدگی به فعالیت مربوط به استخراج بنگاه‌های اقتصادی ثبت شده در ایران را دارند و می‌تواند در حدود قوانین ضمانت اجرای رویه‌های ضد رقابتی را اعمال کنند (یوشانلوئی و پژوهنده، ۱۴۰۲: ۵۹).

۲-۳-۲- سایر رمز ارزها

با بررسی سایر رمز ارز و نحوه تولید، فروش و استخراج آنها می‌توان گفت که رقابت در میان ۸۰ هزار رمز ارز شناخته در صرافی‌ها از پیچیدگی‌های ویژه‌ای برخوردار است که قانون‌گذار تا زمان نگارش این نوشتار به این پدیده نپرداخته است. در همین راستا، با توجه به تغییر شکل یافتن عرصه تجارت بین‌المللی پس از پاندمی کووید ۱۹ و گسترش حیرت‌انگیز تجارت الکترونیک، رمز ارزها در آینده‌ای نزدیک می‌تواند به‌عنوان چالشی نوظهور در نظام اقتصادی ایران طرح شود.

برآمد

با توجه به تجارب کشورهای در حال توسعه و شیوه حکمرانی اقتصادی قدرت‌های نوظهور جهانی، هدف نهایی حقوق رقابت تنظیم هم‌اوردی‌های تجارتي و رسیدن به توسعه پایدار و حراست از حقوق مسلم مصرف‌کنندگان می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که سیاست‌های رقابتی با توجه به نیازهای اقتصادی آن کشور وضع شده و هرچند که استانداردهای بین‌المللی برای تعیین این ضوابط وجود دارد؛ اما نیازها و ظرفیت‌های اصلی بدنه تولید می‌تواند حرف آخر را مشخص کند. در همین راستا نباید فراموش کرد مهم‌ترین دستاورد رقابت در صنایع کوچک و بزرگ تولید است. تولید مبتنی بر خلاقیت و نوآوری که ناشی از نیازهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌باشد. حقوق رقابت در ایران اسلامی با توجه به محورهای مطرح در پژوهش ارائه شده، مهم‌ترین شاخص‌های حقوق اقتصادی برای تنظیم روابط کارگزاری، کارفرمایی و مصرف‌کنندگان در حوزه بازار است. در نتایج به دست آمده در سال‌های اخیر اقدامات مناسبی برای تضمین منافع طرفین شکل گرفته است؛ اما به صورت جامع و مانع قانون خاصی که نیازهای روز و بحران‌های تولید را پوشش دهد هنوز جاری نشده است.

در نتیجه با تدوین جامع و بروز قوانین رقابت و شناسایی رفتارهای ضد رقابتی در بازار رشد اقتصادی مطلوبی در چشم‌انداز قرار می‌گیرد و ذکر این نکته قابل تأمل است که اقتصادهای در حال توسعه با دقت نظر خاصی به اجرای تصمیمات و سیاست‌گذاری رقابتی برای بازار می‌پردازند. مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان در پیامدهای ناشناخته برای آن کشور در حال توسعه جست‌وجو کرد؛ زیرا این نتایج می‌تواند آسیب‌هایی غیرقابل جبران برای اقتصاد و جامعه همراه داشته باشد. به‌طور کلی رقابت پدیده‌ای چندوجهی است که می‌توان با در نظر گرفتن شرایط بازار و طرفین فعالان در این حوزه منجر به رشد اقتصادی و گسترش صنایع شود.

پی‌نوشت‌ها

۱- (رَبّ) [ع. رقابۀ] (مص ل.) هم‌چشمی کردن.

۲- Natures God

۳- آدام اسمیت (۵ ژوئن ۱۷۲۳ - ۱۷ ژوئیه ۱۷۹۰)، از فلاسفه اخلاق‌گرای غرب و پدر علم اقتصاد نوین است. وی از نظریه‌پردازان اصلی نظام سرمایه‌داری مدرن به شمار می‌رود. از وی به‌عنوان اقتصاددان پیشتاز مکتب کلاسیک یاد می‌کنند. مهم‌ترین کتاب وی در زمینه علم اقتصاد، تحقیق درباره طبیعت و علل ثروت ملل است که به طور خلاصه ثروت ملل نیز خوانده می‌شود. این کتاب در سال ۱۷۷۶ میلادی نوشته شده و در مورد توسعه اقتصادی نیز مطالبی را در بردارد. هرچند وی یک تئوری رشد اقتصادی کامل و اصولی عرضه نمی‌کند ولیکن اقتصاددانان مکتب کلاسیک در سال‌های بعد با استفاده از نوشته‌های وی تئوری رشد اقتصادی موسوم به اسمیت را تنظیم نمودند.

۴- consumers

۵- Competition Law

۶- Financial and Economic Law

۷- ماده ۱۵ - دولت موظف است با تغییر اساسنامه سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی نسبت به تشکیل یک سازمان خصوصی‌سازی اقدام نماید. سهام آن دسته از شرکت‌هایی که توسط هیئت عالی واگذاری تعیین تکلیف شده و روش فروش و برنامه زمان‌بندی واگذاری آنها مشخص شده است از طرف شرکت‌های مادر تخصصی به‌منظور طی مراحل واگذاری به این سازمان وکالتاً ارائه خواهد شد. آیین‌نامه اجرائی این ماده و تغییرات اساسنامه سازمان مذکور ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ تصویب این قانون با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.

۸- شکست بازار یک اصطلاح اقتصادی است و نشان‌دهنده موقعیت و شرایطی در بازار است که کمیت محصول مورد تقاضای مصرف‌کنندگان با مقدارتامین شده از طرف تأمین‌کنندگان برابری ندارد. در واقع عرضه و تقاضا در تعادل نیست. این اتفاق نتیجه مستقیم کمبود برخی عوامل اقتصادی ایده آل است که از تعادل جلوگیری می‌کند.

۹- Robert Brok, The Antitrust Paradox (New York: Free Press, ۱۹۹۳), ۸۵

۱۰- Cryptocurrency

۱۱- رمز ارز یا پولی دیجیتال است که در آن تولید واحد پول و تأیید اصالت تراکنش پول با استفاده از الگوریتم‌های رمزگذاری کنترل می‌شود و معمولاً به‌صورت نامتمرکز کار می‌کند.

فهرست منابع

- ۱- احمدی زاد، آرمان؛ فرهادی، ژوبین، اصغرینیا، مرتضی، حقوق رقابت و تنظیم گری بازار، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر تسهیل رقابت و منع انحصار در صنایع خدمات عمومی، دوماه نامه بررسی‌های بازرگانی، سال بیستم و یکم، شماره ۱۱۹، ۱۴۰۲
- ۲- صانعی، مهدیه؛ زرشگی، محمد، حقوق رقابت در پرتو نظریه‌های عدالت، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، پاییز ۱۴۰۱
- ۳- غفاری فارسانی، بهنام، حقوق رقابت و ضمانت اجراهای مدنی آن، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۶
- ۴- قربانی، فرهاد؛ موسوی، زهرا سادات، تأثیر رمز ارز، بیت کوین و ارز دیجیتال در مراودات کسب‌وکارهای امروز، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۴۰۰
- ۵- مهرداد، حامد؛ ساعی، محمد هادی، جایگاه تحولات قواعد عمومی قراردادها بر حقوق رقابت در نظامات حقوقی، شماره ۳، آذر ۱۴۰۱
- ۶- نوری یوشانلوئی، جعفر؛ پژوهنده، مریم، تحلیل حقوقی و اقتصادی رفتارهای ضد رقابتی در بازار بیت کوین، دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۳۰، شماره ۲۳، ۱۴۰۲
- ۷- وکیلی مقدم، محمد حسین، مبانی، چالش‌های قانونی و زمینه‌های اجرای حقوق رقابت در حوزه بهداشت، درمان و سلامت، مجلس و راهبرد، سال ۳۰، تابستان ۱۴۰۲، شماره ۱۱۴.
- ۸- David Gerber, Law and Competition in Twentieth Century Europa: Protecting Prometheus (New York: Oxford University Press, ۱۹۹۸)
- ۹- Robert Pitofsky, The Political Content of Antitrust, ۱۲۷ University of Pennsylvania Law Review (۱۹۷۹)
- ۱۰- Henry Ferre, Fairness in Competition Law: Kyoto Press, Japan (۲۰۰۴)
- ۱۱- Robert Brok, The Antitrust Paradox New York: Free Press, (۱۹۹۳)